



فهرست «طلائی»!

حتی اگر شایعات رسانه‌های غرب در مورد «شهدای» فرضی تظاهرات در ایران صحت هم داشته باشد، این اصل مسلم را فراموش نکنیم که طرفداران فرضی آخوند منتظری و میرحسین موسوی که با عربده الله اکبر و یا حسین در خیابان‌ها به زدو خورد با پلیس مشغول شده‌اند، با مطالبات دمکراتیک ملت ایران بیگانه‌اند.

همچنانکه گفتیم برای «گرم» کردن بازار میرحسین، باید او را به «تابو» تبدیل کرد. ولی برای «داغ» کردن بازار ایشان لازم است تصویرشان در باور عام به تصویر «حسین» دربی‌بی‌گوزک‌های شیعی مسلکان نزدیک شود. و در این راستا «بی‌بی‌سی» و رادیوفردا به نقل از شاهدان عینی که «با چشم خودشان دیده‌اند» از «شهادت» خواهرزاده میرحسین موسوی و ۷ تن دیگر «خبر» می‌دهند! البته از نظر ما این تعداد

اندک «شهید» برای گسترش آشوب و براندازی کفایت نخواهد کرد! پس شاهدان عینی را بفرمائید تا از صدها و هزارها شهید راه فاشیسم هم برایمان بگویند، چرا که مخالفان فرضی دولت جمکران برای کسب حقوق و آزادی‌های دمکراتیک به خیابان نیامده‌اند، اینان شهید راه تجهیز ایران به سلاح هسته‌ای، یا همان «حق مسلم» آنگلساکسون‌ها هستند.

امروز، ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹، از هر نظر عاشورائی و کربلائی است. امروز مصادف است با دومین سال «شهادت» بی‌نظیر بوتو، مادر معنوی طالبان در پاکستان، و هفتمین روز درگذشت حسینعلی منتظری، پدر معنوی طالبان جمکران و گویا نخستین روز «شهادت» فرضی یکی از نزدیکان میرحسین موسوی و ۷ تن دیگر در کربلائی کوچه و خیابان‌های تهران! البته این یکی «خبر» به نقل از همان «شاهدان عینی» و همچنین یک منبع «نزدیک به موسوی» در اختیار ملت ایران قرار گرفته! و حتماً خیلی موثق است. خلاصه خط تولید «شایعه پراکنی» و «شهیدسازی» استعمار دوباره به راه افتاده، باشد که یک حرکت «مردمی» همچون ملی کردن نفت، یا کودتای ۲۲ بهمن کارساز آنگلساکسون‌ها شود، چرا که اوضاع‌شان سخت خراب است. همین چند روز پیش بود که دیوید میلی‌بند، وزیر امور خارجه‌شان کاسه گدائی به دست گرفته خواهان «مبادلات فرهنگی» با ملت ایران شده بود!

باری به گزارش حناز چوبه، مورخ دوم دی‌ماه سالجاری، بریتانیا در طولانی‌ترین دوره رکود اقتصادی خود پس از جنگ جهانی دوم قرار گرفته. بر اساس همین گزارش که با کد: ۸۵۹۴۷۹ انتشار یافته، علیرغم تزریق پول به بانک‌ها، عدم اطمینان به بازارها به کاهش سرمایه‌گذاری

منجر شده و شیون و زاری «گاردین»، رسانه حامی تجهیز گورکن‌ها به سلاح اتمی نیز به آسمان برخاسته. خلاصه اربابان حکومت اسلامی سخت به افلاس افتاده‌اند و امروز نه مدرسی هست، نه مصدقی و نه کاشانی و خصوصاً نه روح‌اللهی که با جنجال و آشوب در ایران از مصیبت ارباب بکاهند. در عوض داس‌الله و حزب‌الله که در دم‌جنبانی برای ارباب از هیچ فداکاری فروگذار نمی‌کنند بار دیگر به اجماع رسیده «معلق زدن» آغازیده‌اند.

بله، امروز اخبار همه رسانه‌های تصویری در سراسر جهان «عاشورائی» شده بود و نفتخواران و نزولخواران همه جای‌شان کربلا شده، سوگواری می‌کردند! نمایشات تعزیه و برنامه عاشورا از روز ۲۴ دسامبر در لندن آغاز شد. الیزابت دوم در لباس شمر، به ناله و زاری پرداخته فرمود، سال ۲۰۰۹ سال سختی بود! البته ملکه انگلستان حق دارند، سالی که گذشت خیلی سخت بود. بریتیش پترولیوم و رویال داچ‌شل برای برخورداری از «حق مسلم» خود در عراق زحمات فراوان کشیدند. چندین تن مواد منفجره به هدر رفت، و چند صد عراقی ناقابل فدای راه نفت شدند! در عوض امسال در نجف و کربلا مراسم تعزیه و زوزه و ضجه و سوگواری برای «سالار شهیدان» با شکوه و جلال هر چه تمام‌تر برگزار شد.

با وعده اطعام مساکین، از زن و مرد و کودک، هر چه ولگرد و بیخانمان و بی‌سرپرست و بدبخت و گرسنه و آواره دم دست بود بسیج کردند و با چادرسیاه و پیراهن «مشکی» به مراسم سینه‌زنی آوردند تا در مسیر کاروان تعزیه نقش سیاهی لشکر ماتم‌زده ایفا کنند. عده‌ای

نیز با لباس قرمز و شمشیر و کلاه خود از برابر این سیاهپوشان سیه‌روز عبور می‌کردند و گروهی دیگر در برابر دوربین‌ها قمره و زنجیر می‌زدند! اما یک تصویر از همه جذاب‌تر بود. تصویر پسر بچه‌ای گریان، با صورت و لباس خونین که یک شمشیر به اندازه قد خودش به دست گرفته و جلودار سپاهیان «حق» شده بود. خلاصه از زمان سرنگونی صدام حسین «هنر» شیعی مسلکان در عراق همانطور که می‌بینیم کاملاً شکوفا شده. اگر خاک‌شان را استعمارگران به توبره کشیده‌اند و نفت‌شان را غارت می‌کنند و هر روز برای‌شان بمب می‌گذارند، حداقل در ابراز توهمات و توحش از «آزادی» کامل برخوردار شده‌اند. و از اینروست که کودکان را به شرکت در چنین صحنه‌های هولناکی وادار می‌کنند تا تصویر «انسانی‌ات» برای همیشه در ذهن‌شان مخدوش شود.

این تصاویر را تلویزیون اسرائیل هم چند بار پخش کرد تا همه با ابعاد «آزادی» بیان و مطبوعات و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، و خلاصه «دمکراسی» واقعی در عراق اشغال شده بخوبی آشنا شوند. سپس دوربین‌ها بر فلسطین و فیلیپین متمرکز شد، کشورهای که همه در آن به مرده‌کشی و گریه زاری مشغول بودند، بعد هم رسیدیم به واشنگتن که حاکم ظالم در «بیت‌آنحضرت» سیل راه انداخته بود! بله، یکی از مراکز خرید، یعنی یکی از همان «شاپینگ‌مال‌های» معروف که محل چرای گله‌های گمشده با کارت‌های اعتباری است آب گرفته بود و از زمین و آسمان آب می‌ریخت! خوشبختانه هیچیک از گوسفندان خداوند غرق نشدند، ولی این گوسفندان خوب از «تفریح» روز یکشنبه‌شان محروم مانده، برخلاف شیعیان عراق حتی «آزادی» گریستن و

سینه‌زنی و قمره‌زنی و ... غیره هم نداشتند. در نتیجه تروماتیسیم این فاجعه برای همیشه گریبانگیرشان خواهد شد. حال به فواید مراسم روضه و زوزه پی می‌بریم!

باری از این قاره به آن قاره جز تصاویر عزاداری و چهره‌های ماتم‌زده هیچ نبود تا اینکه رسیدیم به بخش تفریحی یعنی بخش «توجیه» مرزشکنی و یکجانبه‌گرایی و نقض قوانین و مقررات توسط حاکمیت ایالات متحد، جهت تحمیل شرایط ویژه بر تمام مسافران شرکت‌های هوایی به ویژه در غرب. بله، این بخش «کمدی - سیاسی» اخبار بود!

چنین آورده‌اند که چند روز پیش، یک جوان نیجریائی در هواپیما «قصد» انجام عملیات تروریستی داشته که دستگیر شده! و از آنجا که این «خبر موثق» کمی تا قسمتی ابلهانه می‌نمود، امروز فرانس پرس در صد دفع و رجوع آن برآمد! در نتیجه، به ما گفتند، پدر این جوان از طریق تلفن پلیس را در جریان «نیت» پلید پسرش قرار داده! فکر نمی‌کنم بیش از این بتوان مخاطب را ابله انگاشت! مگر پلیس می‌تواند بر اساس اظهارات تلفنی یک ناشناس کسی را دستگیر کند؟ یا اینکه اگر کسی بخواهد بمب‌گذاری کند، با پدرش مشورت می‌کند؟ بمبگذار محترم حتماً گفته، پاپاجان من یک تک پا برم بمب بگذارم و برگردم! پدرش هم، که مثل همه پدرها در باور عام، خیر و صلاح پسرش را می‌خواسته، ابتدا استخاره کرده،

استخاره که بد آمد به پلیس خبر داده! نه! اصل «خبر» به مراتب مضحک‌تر از این‌ها است!

به گزارش فیگارو، مورخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹، عمر عبدالمطلب، پدر جوان نیجریائی پا را از این حرف‌ها فراتر گذاشته، ایشان مستقیماً با سفارت آمریکا در نیجریه تماس می‌گیرند و از «عقاید» افراطی پسرشان، فاروق عبدالمطلب که در ماه ژوئن ۲۰۰۸، ویزای ورود به خاک مقدس آمریکا را هم دریافت کرده، ابراز نگرانی می‌فرمایند. فیگارو می‌افزاید، به گفته یک مسئول بلند پایه ایالات متحد نام این جوان خطاکار در فهرست رسمی ۵۵ هزار نفر مظنون قرار داشته، ولی در فهرست ۴ هزار ممنوع‌الورود به خاک آمریکا نام ایشان دیده نمی‌شد. به عبارت دیگر سازمان سیا از «افکار افراطی» همه با خبر است! بگذریم! به گزارش فیگارو، پدر جوان افراطی، یعنی وزیر پیشین، و رئیس شورای اداری «فرست بنک آو نیجریا» از کردار پسرش که اخیراً «از خانواده دوری گزیده بود» سخت دگرگون و آشفته شده. بله وقتی می‌گوئیم از «پدر» دور نشوید و از کانون گرم خانواده فاصله نگیرید دلیل دارد! ممکن است نام‌تان در فهرست رسمی ۵۵ هزار مظنون عموسام قرار گیرد، و پدرتان به سفارت آمریکا تلفن کرده از افکار «افراطی» شما ابراز نگرانی کند. بعد هم ممکن است خود شما به دلیل پیفیزی ارثی اعتراف کنید که مقدار زیادی مواد منفجره با خود به درون هواپیما آورده‌اید و ... و همین برای تحمیل «شرایط ویژه» و افزایش مقررات امنیتی در فرودگاه‌های جهان کفایت می‌کند! وسائل لازم برای تأمین چنین امنیتی از سوی پنتاگون در اختیار جهانیان قرار خواهد گرفت.

ساده‌تر بگوئیم، همه دولت‌ها موظفاند چنین ابزاری را هرچه سریع‌تر به چند برابر قیمت ابتیاع کنند تا «آزادی» مسافران خطوط هوایی خدشه‌دار نشود. چرا که این «آزادی» در گرو آزادی سازمان سیا برای ارباب مردم در ابعاد جهانی است. این ماجرای ابلهانه که برای سرکوب و ارباب و به ویژه جهت زدن جیب ملت‌ها سر هم شده، حکایت همان «سایبر ارتش» است که با هدف سرکوب «آزادی بیان» فارسی‌زبانان توسط سازمان سیا و البته به نام حکومت اسلامی به راه افتاده بود! می‌دانیم که سازمان مقدس سیا از مدافعان «آزادی» در سراسر جهان است، البته آزادی در جنایت، آزادی در قانون‌شکنی، و آزادی در امر مقدس شایعه‌پراکنی. بی‌دلیل نیست که هر دو جناح حکومت گورکن‌ها اینچنین ذکر «آزادی» گرفته‌اند؛ «از سیا آموز اخلاص عمل!»

اما آزادی، «انسانی» است، و سردمداران طاعون‌سبز دست در دست مهرورزی فقط با هدف لجن‌پراکنی و «آزادی‌ستیزی» است که دم از «آزادی» می‌زنند، چرا که اینان هم با آزادی و هم با انسان بیگانه‌اند. به یاد داشته باشیم که جنگ زرگری ایندو گروه تبهکار فقط با هدف فراهم آوردن فرصت بیشتر برای اربابان‌شان در لندن و واشنگتن به راه افتاده. به همین دلیل است که برای جبران شکست طاعون سبز در لشکرکشی‌های خیابانی، ساواک جمکران گروهی را به نام طرفداران مهرورزی راهی خیابان می‌کند تا رسانه‌های غرب بتوانند به نقل از «اوپوزیسیون» برای‌مان خبرسازی کنند. بله، همچنانکه «گفتگو با مردگان» جای خود را به تماشای فیلم رنگی از «بهشت» سپرد تا بتوانیم از نگاه یکی از کنیزکان مطبخی کاخ سفید، تصویر «روح» آخوند منتظری را بر دوش

فرشتگان در بهشت تماشا کنیم، تل موهوم شاهدان عینی هم جای خود را به «اوپوزیسیون» سپرده! و به این ترتیب فرانس پرس و دیگر نیوزها و پرس‌های «معتبر» جهان می‌توانند به نقل از «اوپوزیسیون» بسیار معتبر جمکران «شایعات» کربلای حسینی را برایمان یک به یک، در پوشش «خبر موثق» بازگو کنند. البته اشتباه نکنیم، این خبرهای موثق همه باید به بی‌بی‌گوزک‌های کربلا شباهت داشته باشد. از آنجمله است شایعات مربوط به حسینعلی منتظری، میرحسین موسوی و درگیری او باش طرفدار اینان با پلیس جمکران.

بیشتر گفته‌ایم، باز هم می‌گوئیم و خواهیم گفت که تجهیز حکومت اسلامی به سلاح اتمی سیاستی است استعماری. این سیاست در پس آشوب و جنجال «تقلب فرضی» پیرامون «انتخابات فرضی» در حکومت اسلامی قرار گرفت، ولی به دلیل شکست جنبش طاعون سبز، اینک شاهدیم که همین سیاست استعماری با صورتک «آزادی» پای به میدان می‌گذارد. نماد نوین سیاست مذکور همچنانکه در وبلاگ «ندای مرگ» گفتیم «مرگ رسانه‌ای» و مبهم یک زن جوان است به نام ندا. ولی پرسوناژهای این سیاست همان جنایتکاران قدیم‌اند: پیروان خط امام، اصلاح‌طلبان، چپ‌نمایان و لباس‌شخصی‌های ساواک جمکران به اضافه رهبر معنوی‌شان، آخوند منتظری جنایتکار و رهبر سیاسی‌شان، میرحسین موسوی جلاد. خلاصه بگوئیم گروه مزدور «فدائیان اسلام» با برچسب‌های نوین پای به میدان سیاست کشور گذاشته‌اند و همه شرایط حاکمیت مطلوب آنگلساکسون‌ها فراهم آمده: یک

دستاربند خودفروخته و یک جلاد سابقه‌دار در رأس یک گروه لات و اوپاش و تیغ‌کش، درست همچون مجموعه غائله ۲۲ بهمن! و این است مجموعه جادوئی‌ای که آنگلساکسون‌ها برای ما ملت خیلی می‌پسندند.

دستاربند خودفروخته، هفته گذشته زمین را از وجود پلیداش پاک کرد، کاخ سفید و همه لوطی و عنترهای‌اش در داخل و خارج مرزها به این ترتیب در ماتم از دست رفتن این «عزیز» سیاه‌پوش شدند. ولی به برکت انزوای رسانه‌ای حاکم بر ایران، میرحسین همچون حسین افسانه‌های کربلا همچنان مقاومت می‌فرمایند، و نزدیکان‌شان پیوسته در این نبرد نابرابر توسط یزید و همکاران‌اش «شهادت» می‌شوند. و این فرصتی است طلائی برای سگ‌های سیرک عموسام که در راستای پیام بیش‌رمانه رئیس شورای امنیت ملی کاخ سفید، از حسینعلی منتظری جنایتکار اسطوره مقاومت و شجاعت بسازند.

آورده‌اند که آنحضرت علاوه بر تحمل «حصر» رسانه‌ای، «داغ» شکنجه‌های زندان «حاکم ظالم» را نیز بر پیکر‌شان دارند، و خلاصه رضا پهلوی می‌بایست ضمن ابراز تأسف از این امر و انتقاد از سیاست‌های دوران پهلوی، از این الگوی شهامت و مقاومت «ستایش» هم به عمل می‌آورد که نیارود! و به این ترتیب گویا یک «فرصت طلائی» را از دست داده باشد! عجیب است که اگر رضا پهلوی از یک کودتای جنایتکار، که شمه‌ای از جنایات‌اش اخیراً در نامه

معروف شیخ کربوبی خودفروخته فاش شده، تجلیل به عمل آورد، حتماً نام‌اش در فهرست ۵۵ هزار فدائی «دمکراسی» در ایران قرار می‌گیرد و کاخ سفید هم نام او را در زمره مدافعان حقوق بشر به ثبت خواهد رساند!

ولی عجیب‌تر اینکه بعضی‌ها با این مهملات می‌خواهند بار دیگر «دخالت آخوند جماعت را در سیاست» کشور توجیه کنند. آخوند منتظری به چه جرمی در زمان شاه زندانی شده بود؟ به جرم دفاع از حقوق بشر و دمکراسی؟ مسلماً خیر! با تکیه بر ارتباط او با جنایات مهدی هاشمی، یعنی قتل روحانیونی که به «مبارزات» شیوخ خودفروخته و جیره‌خوار کارخانهٔ رجاله پروری اعتقاد نداشتند، باید بگوئیم زندانی شدن منتظری همچون زندانی شدن شیخ مهدی بازرگان و شرکاء برای تبدیل اینان به رهبران اوپوزیسیون بوده، همچنانکه تبعید خمینی هم با هدفی مشابه صورت گرفت. اما اگر ارتباط مهدی بازرگان با جنایت برملا نشده، ارتباط منتظری و خمینی همچون اکبر بهرمانی با قتل انسان‌های دیگر بر همه روشن است، و این برای ما فرصتی بود طلائی که دریابیم، در قاموس داس‌الله تجلیل از قاتلان و قانون‌شکنان جیره‌خوار استعمار، طرفداری از حقوق بشر به شمار می‌رود! چرا که قاتلان و قانون‌شکنان کذا در زمره دستاربندان بوده‌اند. بله این است «تحلیل» علمی داس‌الله بینوا از شرایط سیاسی کشور! این بندگان آستان مقدس عموسام که

همچون دیگر آخوندپرستان مطیع استعمار «دیانت‌شان عین سیاست‌شان» است، هنوز با حفظ برچسب «چپ» آرزوی رهبری آخوند در کلهٔ پوک‌شان می‌پروراندند، و به همین دلیل مبلغ نظریهٔ استعماری فوکویاما در مورد «دین ضداستبداد» شده‌اند. البته فکر نکنید اینان ابله‌اند یا خود فروخته، به هیچ عنوان! دلیل پریشانگوئی و مهمل‌بافی «چپ‌نمایان» فقط این است که حضرات نه تنها مانند بعضی‌ها «با چشم خودشان «روح» آیت‌الله منتظری را بردوش «فرشتگان بهشت» دیده‌اند که جای داغ و درفش «حاکم ظالم» را نیز بر ریش و پشم مقدس آنحضرت مشاهده کرده‌اند.